

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده : بیل وون اوکن - Bill Van Auken

برگردان از : حمید محوی

۱۳ اپریل ۲۰۱۳

چهره خوشونتبار استعمار نوین در افغانستان



وزیر امور خارجه آمریکا جان کری ظاهراً تعدادی بیانیۀ رسمی به یادمان یکی از کارمندان «ان اسمدینگهوف، ۲۵» ساله، منتشر کرده است که روز شنبه، بین ۵ امریکائی بوده که سه تن از آنها سرباز بوده اند و در عملیات تروریستی با ماشین مین گذاری شده توسط طالبان در منطقه زابل در جنوب کشته شده اند.

مرگ فردی به این جوانی، همانند مرگ نزدیک به ۲۲۰۰ سرباز امریکائی طی ۱۱ سال جنگ و اشغال، البته تراژیک است. با این وجود، جان کری در بیانیۀ هایش بر آن نیست تا از غم نزدیکان و دوستان این زن جوان بکاهد، بلکه بیشتر بر آن است تا چنین جنگی را که به بهای مرگ این زن جوان تمام شده توجیه کند.

جان کری در مورد مرگ این زن جوان گفت که : «مرگ او تضاد بارز بین دو نظام ارزشی بسیار متفاوت را به تمام جهان نشان می دهد.» او گفت که از یک سو «یک زن امریکائی شجاع [...] مصمم به شعله ور ساختن دانش از طریق کتابهای نوشته شده به زبان مادری دانشجویانی که هرگز ملاقات نکرده بود، ولی خود را موظف می دانست که به آنها کمک کند» در حالی که از سوی دیگر «تروریست های تن لش مصمم برای به ارمغان آوردن ظلمت و مرگ برای افراد کاملاً ناشناس.»

همان روز که «ان اسمدینگهوف» جانش را از دست داد، در یک حمله هوایی دست کم ۱۸ نفر کشته شدند که ۱۱ نفر از آنها کودکان بین سنین چند ماهه تا شش ساله بوده اند. در این بمباران ۶ زن نیز به سختی مجروح شده اند. ولی جان کری حتی یک کلمه درباره مرگ این کودکان و زاری های والدین آنها مطرح نکرد. روشن است که گزارش مرگ این ۱۱ کودک یک صدم گزارش دیپلمات امریکائی در رسانه های امریکائی نیز نبود و مثل همیشه زندگی افغان ها بی ارزش تلقی شد.

باید به یاد آوریم که همین آقای وزیر امور خارجه جدید امریکا، و سناتور اسبق دموکرات در ماساچوست، در آغاز کار حرفه سیاسی خود به عنوان سرباز جوان قدیمی رسماً جنگ ویتنام را افتاء می کرد. جان کری، در حال حاضر به عنوان ثروتمندترین مرد سنای امریکا، وقت خود را صرف رو سفید کردن جنگ های نوین امپریالیستی می کند که ایالات متحده به راه می اندازد و بر آن است تا جنایاتی را پنهان نگهدارد که در گذشته در پی افشای آنها بود.

هنر شیوه بیان نزد جان کری، در مورد امریکائی هائی که به شکل داوطلبانه جهان را به نور علم روشن می سازند و برای آینده افغانستان را می سازند و تمام سرزنش های واشینگتن که با کلماتی مانند تن لش، تروریستها و نیروهای تاریک اندیش ادا می شود، همان اندازه قدیمی به نظر می رسد که خود استعمار. فرانسوی ها در الجزایر و در هندوچین، بریتانیائی ها در هند، در افریقا، و قدرت های اروپائی دیگر که طی سه دهه پایانی قرن نوزدهم بیش از یک چهارم سطح زمین را از آن خود ساخته بودند، بازی زبانی مشابهی را به خدمت می گرفتند، و مدعی بودند که دست به کار تمدن سازی زده اند در حالی که این کشورها را غارت می کردند و مردم این سرزمین ها را نیز به قتل می رساندند.

ملاقات طولانی بین افغانستان و امپریالیسم امریکا در حال حاضر به قدمت سی سال رسیده است و با ۱۱ سال اشغال نظامی مستقیم، و یک کنترل نیمه استعماری در رابطه با دولت بزهکار آن که توسط ایالات متحده به قدرت نشانده شده، مشخص می گردد. کدام «نور» و کدام «آینده» را برای مردم افغانستان به ارمغان آورده اند؟

از سال ۱۹۷۹، در زمان رئیس جمهور دموکرات جیمی کارتر، امپریالیسم امریکا سیاست جنایتکارانه ای را به هدف بی ثبات سازی رژیم طرفدار شوروی در کابل راه اندازی کرد و بر این اساس موجب مداخله نظامی شوروی شد. به همان شکلی که «زیگنیف برژینسکی» مشاور امور دفاع ملی در ایالات متحده توضیح داده است، هدف این بود که «برای شوروی ها ویتنامشان را تدارک ببینند». این سیاست با موفقیت تحقق یافت، ولی مردم افغانستان بهای آن را پرداختند. ماشیناسیون واشینگتن به جنگ داخلی دامن زد، یعنی جنگی که تا امروز ادامه یافته و میلیون ها افغان را به کام مرگ کشانده است.

با ارسال حجم بسیار زیادی اسلحه، مشاور نظامی، و پول از سوی سی آی ای، واشینگتن با اسلامگرایان و جبهه راست افغان یا دیگر کشورها مانند سعودی ها مناسبات نزدیکی ایجاد کرد. به عنوان مثال اسامه بن لادن میلیونر عربستان سعودی که مردم امریکا تنها پس از ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ با نام او آشنا شدند، و به همین گونه بنیانگذاران طالبان و شبخ نظامیان دیگری که امروز نیروهای امریکائی در افغانستان علیه آنها می جنگند.

در رابطه با سالهای اشغال، واشینگتن ۱۰۰ میلیارد دالر برای بازسازی افغانستان اختصاص داد، ولی تجسسات دولتی رد پای تنها ده درصد تمام این مبلغ را پیدا کرده است. بخش مهمی از این مبلغ به جیب مقاطعه کاران، همکاران و سیاستمداران بزهکار در سلسله مراتب خاندان «کرزی» تا پائین دستی هایشان سرازیر شده است.

پس از یک دهه قیومیت واشینگتن، شرایط زیست در افغانستان به همان اندازه ناامید کننده است که در گذشته و حتی بیشتر. میزان امید زندگی نزد مردان چهل و چهار سال و نیم و نزد زنان چهل و چهار سال است. میزان نوزادان مرده،

بالاترین در جهان را نشان می دهد (۱۶۰۰ نوزاد روی ۱۰۰۰۰۰ تولد)، و بیش از نیمی از کودکان زیر پنج سال از عدم تغذیه رنج می برند.

یک سوم افغان ها در فقر زندگی می کنند، بی آن که قادر به پاسخگویی به نیازهای ابتدائی و اساسی خود باشند، و ۴۰ درصد از مردم بی کار هستند. آمار نشان می دهد که ۶۵ درصد افغان ها از اختلالات ناشی از افسردگی و دیگر اشکال بیماری روانی حاصل از جنگ بی پایان رنج می برند.

این فاجعه انسانی به مدیریت باند تبهکار و جنگ سالارانی ادامه می یابد که با زور اسلحه آمریکا سر کار نگهداشته شده اند که نه تنها کمک های بین المللی را به تاراج می برند بلکه از تجارت تریاک نیز بهره مند هستند که ۹۰ درصد تولید جهانی را در بر می گیرد.

امپریالسم آمریکا برای مبارزه علیه تروریسم به افغانستان نیامده است. چنین بهانه ای - مبارزه علیه تروریسم - کاملاً با اتحاد واشینگتن و شبهه نظامیان القاعده در جنگ علیه لیبیا و سوریه برای تغییر رژیم، در تضاد آشکار قرار می گیرد. در نتیجه عصر روشنائی برای افغانستان افسانه ای بیش نیست. امپریالیسم آمریکا در افغانستان مانند خاورمیانه و افریقا مداخله کرد تا حاکمیت برتر واشینگتن را علیه رقیبان اروپائی و آسیائی خود و به ویژه علیه چین تضمین کند، یعنی مناطقی از جهان که از دیدگاه جغرافیای سیاسی سرشار از منابع انرژی است.

هم زمان با اعلام پایان رسمی حضور نظامی آمریکا در سال ۱۹۱۴ دولت «اوباما» با رژیم «حامد کرزی» برای حفظ چند هزار سرباز و پایگاه های آمریکا در افغانستان مذاکره می کند. این نیروها باید شامل کوماندوها برای عملیات ویژه باشند که شکار و کشتار آنهایی را که در مقابل آمریکا مقاومت می کنند، ادامه خواهند داد، و علاوه بر این مشاوران و مربیان نظامی برای مدیریت نیروهای افغان دست نشانده، و البته نیروی هوایی که برای انجام عملیات مشابه به همین بمبارانی که شنبه گذشته در ولایت کنر موجب مرگ ۱۱ کودک شد.

واشینگتن می خواهد افغانستان را به عنوان پایگاهی برای «گسترش قدرت» به سوی بستر دریای مازنداران با منابع سرشار گاز و نفت حفظ کند، یعنی در منطقه ای که باید با رقبائی مانند چین و روسیه مقابله کند. این ستراتیژی از نقطه جنگ جهانی خیلی گسترده تر و مصیبتبارتری خبر می دهد.

مبارزه برای آینده مردم افغانستان و کارگران در تمام جهان بستگی به رویش جنبش واقعاً ضد جنگ و ضد استعمار نوین دارد، که با تکیه به بسیج مستقل کارگران علیه منشاء اصلی جنگ و استعمار نوین وارد عمل شود: یعنی علیه نظام بهره کشی سرمایه داری.

Article original, [WSWS](http://www.mondialisation.ca/la-face-brutale-du-neocolonialisme-en-afghanistan/5330860), publié le 10 avril 2013

<http://www.mondialisation.ca/la-face-brutale-du-neocolonialisme-en-afghanistan/5330860>

گاهنامه هنر و مبارزه

۱۲ اپریل ۲۰۱۳

مرکز مطالعات جهانی سازی، ۱۱ اپریل ۲۰۱۳

منطقه: خاورمیانه و آفریقای شمالی

مضمون: جنگ ایالات متحده، ناتو

تحلیل: افغانستان

گاهنامه هنر و مبارزه/پاریس/برگردان از: حمید محوی/۱۲ اپریل ۲۰۱۳